

اسرار غدیر

غدير

گزارش تحلیلی از واقعه غدیر خم

محمد باقر انصاری

اسرار غدیر

گزارش تحلیلی از واقعه غدیر خم
متن کامل و مقابله شده خطبه غدیر

جمع‌داری اموال
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
ش - اموال: ۴۸۳۴۲

کتابخانه
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
شماره ثبت: ۰۰۷۹۳۶
تاریخ ثبت:

محمد باقر انصاری زنجانی

انصاری، محمد باقر، ۱۳۳۹ -

اسرار غدیر: گزارش تحلیلی از واقعه غدیر خم، متن کامل و مقابله شده خطبه غدیر / محمدباقر انصاری -
تهران: انتشارات تک، ۱۳۸۴.

۳۸۴ ص.

ISBN 964-95900-3-X

کتابنامه به صورت زیر نویس.

چاپ نهم: ۱۳۸۵.

۱. غدیر خم، ۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. اثبات خلافت. الف. عنوان.

۵ الف ۸ الف / ۵۴ / ۲۲۳ BP

۲۹۷ / ۴۵۲



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

اسرار غدیر

(ویرایش چهارم)

محمد باقر انصاری

انتشارات تک

چاپ نهم: ۵۰۰۰ نسخه، ذی‌القعدة ۱۴۲۷

مرکز پخش: نشر مولود کعبه

قم - خیابان شهدا (صفائییه)، کوچه بیگدلی، کوچه چاووشی، پلاک ۷۹

تلفن: ۷۷۳۷۴۱۰ - صندوق پستی: ۱۱۵۷ - ۳۷۱۵۲

شابک X-۳-۹۵۹۰۰-۹۶۴ ISBN 964-95900-3-X

۲۲۰۰ تومان



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی

۲

مراسم سه روزه غدیر خم



جزئیات وقایعی که در صحرای غدیر خم اتفاق افتاده، بطور یکجا از یکطرف نقل نشده است. هر یک از حاضران گوشه‌هایی از آن مراسم با شکوه را بازگو کرده‌اند، و قسمتهایی را هم ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل فرموده‌اند.

با یک بررسی و مطالعه و جمع‌بندی در اخبار و احادیث و تاریخ، تصویری از جریان غدیر ترسیم گردید که در سه قسمت این بخش تقدیم می‌شود: ابتدا برنامه‌هایی که قبل از خطبه به عنوان زمینه‌سازی برای خطبه غدیر انجام گرفته، و سپس کیفیت سخنرانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اقدامات عملی که بر فراز منبر انجام دادند، و در قسمت سوم مراسمی که بعد از خطبه غدیر انجام گرفته ذکر می‌شود.



برنامه‌های قبل از خطبه

اهمیت حجة الوداع^۱

هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خروج آن حضرت از مکه معظمه نقطه عطفی در تاریخ اسلام بشمار می آید و بعد از این هجرت، حضرت سه بار به مکه سفر کرده‌اند. بار اول در سال هشتم پس از صلح حدیبیه به عنوان «عمره» وارد مکه شدند و طبق قرار دادی که با مشرکین بسته بودند فوراً بازگشتند.

بار دوم در سال نهم به عنوان «فتح مکه» وارد این شهر شدند، و پس از پایان برنامه‌ها و برچیدن بساط کفر و شرک و بت پرستی به طائف رفتند و هنگام بازگشت، به مکه آمده و عمره بجا آوردند و سپس به مدینه بازگشتند.

سومین و آخرین بار بعد از هجرت که پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مکه شدند در سال دهم هجری به عنوان «حجة الوداع» بود، که حضرت برای اولین بار بطور رسمی اعلان حج دادند تا همه مردم در حد امکان حاضر شوند.

در این سفر دو مقصد اساسی در نظر بود، و آن عبارت بود از بیان دو حکم مهم از قوانین اسلام که هنوز برای مردم بطور کامل و رسمی تبیین نشده بود: یکی حج، و دیگری مسئله خلافت و ولایت و جانشینی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله.

اعلان سفر حج^۱

پس از دستور الهی، پیامبر صلی الله علیه و آله منادیانی را در مدینه و اطراف آن فرستادند تا تصمیم حضرت برای این سفر را به اطلاع همه برسانند و اعلان کنند که هر کس بخواهد می تواند همراه حضرت باشد.

پس از اعلان عمومی، عده بسیاری از اطراف مدینه به شهر آمدند تا همراه حضرت و مهاجرین و انصار به سوی مکه حرکت کنند. با حرکت کاروان پیامبر صلی الله علیه و آله در بین راه مدینه تا مکه افراد قبایل به جمعیت اضافه می شدند. با رسیدن این خبر مهم به مناطق دورتر، مردم اطراف مکه و شهرهای یمن و غیر آن نیز بسوی مکه سرازیر شدند تا جزئیات احکام حج را شخصاً از پیامبرشان بیاموزند و در این اولین سفر رسمی حضرت به عنوان حج شرکت داشته باشند. اضافه بر آنکه حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر من است و این می توانست باعث شرکت همه جانبه مردم باشد.

جمعیتی حدود یکصد و بیست هزار نفر^۲ در مراسم حج شرکت کردند که فقط هفتاد هزار نفر آنان از مدینه به همراه حضرت حرکت کرده بودند، بطوری که لیبیکاگویان از مدینه تا مکه متصل بودند.

مسیر سفر از مدینه تا مکه

حضرت روز شنبه بیست و پنجم ماه ذی قعدة غسل کرده و دو لباس احرام همراه برداشتند و از مدینه خارج شدند. اهل بیت حضرت که فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و سایر فرزندان آن حضرت بودند، و نیز همسران آن حضرت همگی سوار بر هودجهای شتران همراه حضرت بودند. با احرام از «مسجد شجره» - که در

۱. عوالم العلوم: ج ۳/۱۵ ص ۱۶۷، ۲۹۷. الغدیر: ج ۱ ص ۹، ۱۰. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۰. ج ۲۸ ص ۹۵.

۲. در بعضی روایات تا صد و هشتاد هزار نفر هم نقل کرده اند.

نزدیکی مدینه است - راهی مکه شدند و مردم سواره و پیاده همراه آن حضرت به حرکت درآمدند.

صبح روز بعد به «عِزْقِ الظَّيْتَةِ» رسیدند و سپس در «رَوْحَاء» توقف مختصری کردند.

از آنجا برای نماز عصر به «مُنْصَرَف» رسیدند. هنگام نماز مغرب و عشا در «مُتَقَشِّن» پیاده شدند و شام را همانجا صرف کردند. برای نماز صبح به «أَثَابَةَ» رسیدند، و صبح روز سه شنبه در «عَرَج» بودند، و روز چهارشنبه به «سَقِيَاء» رسیدند.

در بین راه، پیاده‌ها سختی راه را مطرح کردند و از حضرت سواری درخواست نمودند. حضرت به آنان فرمود که فعلاً سواری در اختیار ندارد، و دستور دادند تا برای آسانی سیر کمرهای خود را ببندند و راه رفتنشان را ترکیبی از تند رفتن و دویدن قرار دهند. این دستور را عمل کردند و کمی راحت شدند.

روز پنجشنبه به «أَبْوَاء» رسیدند - که قبر حضرت آمنه مادر پیامبر صلی الله علیه و آله آنجا بود - و حضرت قبر مادر را زیارت کردند. روز جمعه با عبور از «جحفه» و «غدیر خم» عازم «قُدَيْد» شدند و شنبه آنجا بودند. روز یکشنبه به «عَسْفَانَ» آمدند و روز دوشنبه به «مَرَّ الظَّهْرَان» رسیدند و تا شب آنجا ماندند. شب به سوی «سَبْرَف» حرکت کردند و به آنجا رسیدند که منزل بعدی مکه معظمه بود. بعد از ده روز طی مسافت در روز سه شنبه پنجم ذی الحجة وارد مکه شدند.

سفر امیرالمؤمنین علیه السلام از مدینه به یمن و از یمن به مکه

از سوی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام با لشکری از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله به نجران و سپس یمن رفته بودند که هدف آن جمع آوری خمس و زکات و جزیه و نیز دعوت به اسلام بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام حرکت از مدینه نامه‌ای برای امیرالمؤمنین علیه السلام فرستادند و دستور دادند آن حضرت نیز از یمن برای سفر حج حرکت کند. لذا پس از

پایان کارهای محوله در نجران و یمن حضرت بالشکر همراه و نیز عده‌ای از اهل یمن - که دوازده هزار نفر بودند - پس از احرام در میقات عازم مکه شدند. با نزدیک شدن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مکه از طرف مدینه، امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم از طرف یمن به این شهر نزدیک شدند. حضرت جانشینی در لشکر برای خود تعیین کردند و خود پیشتر به ملاقات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شتافتند و در نزدیکی مکه خدمت حضرت رسیدند و گزارش سفر را دادند.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بسیار مسرور شدند و دستور دادند هر چه زودتر لشکر همراه را به مکه بیاورد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام به محل لشکر بازگشتند و همراه آنان - همزمان با قافله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله - روز سه شنبه پنجم ذی حجه وارد مکه شدند.

با رسیدن ایام حج در روز نهم ذی حجه، حضرت به موقف عرفات و سپس به مشعر و منی رفتند. بعد از آن اعمال حج را یکی پس از دیگری انجام دادند، و در هر مورد واجبات و مستحبات آن را برای مردم بیان فرمودند.

خطابه‌های قبل از غدیر^۱

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از غدیر، در دو موقعیت حساس برای مردم خطابه ایراد کردند که در واقع زمینه‌سازی برای خطبه غدیر بود.

اولین خطابه آن حضرت در منی بود. در این خطبه ابتدا اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جان و مال و آبروی مردم نمودند، و سپس خونهای به ناحق ریخته و اموال به ناحق گرفته در جاهلیت را رسماً مورد عفو قرار دادند تا کینه‌توزیها از میان برداشته شود و جو اجتماع برای تأمین امنیت کامل آماده شود. سپس مردم را بر حذر داشتند از اینکه بعد از او اختلاف کنند و بر روی یکدیگر شمشیر بکشند.

در اینجا تصریح فرمودند که:

۱. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۳، ج ۲۱ ص ۳۸۰.

«اگر من نباشم علی بن ابی طالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد».

سپس حدیث ثقلین بر لسان مبارک حضرت جاری شد و فرمودند:

«من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می‌گذارم که اگر به این دو تمسک کنید هرگز

گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیت».

اشاره‌ای هم داشتند به اینکه عده‌ای از همین اصحاب من روز قیامت به جهنم

برده می‌شوند.

نکته جالب توجه اینکه در این خطابه، امیرالمؤمنین علیه‌السلام سخنان حضرت را

برای مردم تکرار می‌کردند تا آنان که دورتر بودند بشنوند.

خطابه دوم در مسجد خیف در منی^۱

دومین مورد خطابه حضرت در مسجد «خیف» در منی بود. در روز سوم از توقف

در منی، حضرت فرمان دادند تا مردم در مسجد خیف اجتماع کنند. در آنجا نیز

خطابه‌ای ایراد فرمودند که ضمن آن صریحاً از مردم خواستند گفته‌های او را به خاطر

بسپارند و به غائبان برسانند.

در این خطبه به اخلاص عمل و دلسوزی برای امام مسلمین و تفرقه نینداختن

سفارش فرمودند و تساوی همه مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی را اعلام

کردند. بعد از آن متعرض مسئله خلافت شدند و حدیث ثقلین بر لسان حضرت

جاری شد، و بار دیگر زمینه را برای غدیر آماده کردند.

در این مقطع، منافقین کاملاً احساس خطر کردند و قضیه را جدی گرفتند و

پیمان نامه نوشتند و هم‌قسم شدند و برنامه‌های خود را آغاز کردند.^۲

۱. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۴.

۲. تفصیل اقدامات منافقین در بخش سوم این کتاب ذکر خواهد شد.

تحويل ميراث انبياء عليهم السلام قبل از غدیر^۱

در مکه دستور الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین وحی شد: «نبوت تو به پایان رسیده و روزگارت کامل شده است. اسم اعظم و آثار علم و میراث انبیاء را به علی بن ابی طالب بسیار که اولین مؤمن است. من زمین را بدون عالمی که اطاعت من و ولایتم با او شناخته شود و حجت بعد از پیامبرم باشد رها نخواهم کرد».

یادگارهای انبیاء عليهم السلام صُخف آدم و نوح و ابراهیم عليهم السلام و تورات و انجیل و عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و سایر میراثهای ارجمندی است که فقط در دست حجج الهی است. تا آن روز خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله حافظ این میراثهای الهی بود و اینک به دستور الهی به امیرالمؤمنین علیه السلام منتقل شد. این ودایع از امیرالمؤمنین علیه السلام به امامان بعد منتقل شده تاکنون که در دست مبارک آخرین حجت پروردگار حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام است.

پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام را فراخواند و جلسه خصوصی تشکیل دادند و یک شبانه روز برنامه سپردن ودایع الهی طول کشید.

لقب «امیرالمؤمنین»^۲

در مکه جبرئیل، لقب «امیرالمؤمنین» را به عنوان اختصاص آن به علی بن ابی طالب علیه السلام از جانب الهی آورد، اگر چه این لقب قبلاً نیز برای آن حضرت تعیین شده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند تا یک یک اصحاب نزد علی علیه السلام بروند و به عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام کنند و «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» بگویند، و بدین وسیله در زمان حیات خود، از آنان اقرار بر امیر بودن علی علیه السلام گرفت.

در اینجا ابوبکر و عمر به عنوان اعتراض به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: آیا این حقی

۱. بحار الأنوار: ج ۲۸ ص ۹۶، ج ۳۷ ص ۱۱۳، ج ۴۰ ص ۲۱۶.

۲. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱، ۱۲۰. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۳۹. کتاب سلیم بن قیس: ص ۷۳۰.

از طرف خدا و رسولش است؟ حضرت غضبناک شد و فرمود: «حقی از طرف خدا و رسولش است، خداوند این دستور را به من داده است».

اعلان رسمی برای حضور در غدیر^۱

با اینکه انتظار می‌رفت پیامبر خدا در این اولین و آخرین سفر حج خود مدتی در مکه بماند، ولی بلافاصله پس از اتمام حج حضرت به منادی خود بلال دستور دادند تا به مردم اعلان کند: فردا کسی جز معلولان نباید باقی بماند، و همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در «غدیر خم» حاضر باشند.

انتخاب منطقه «غدیر» که به امر خاص الهی بود از چند جهت قابل ملاحظه است: یکی اینکه در راه بازگشت از مکه، کمی قبل از محل افتراق کاروانها و تقاطع مسیرهاست.

دوم اینکه در آینده‌های اسلام که کاروانهای حج در راه رفت و برگشت از این مسیر عبور می‌کنند با رسیدن به وادی غدیر و نماز در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، تجدید خاطره و بیعتی با این زیربنای اعتقادی خود می‌نمایند و یاد آن در دلها احیا می‌گردد.^۲

سوم اینکه «غدیر» کمی قبل از «جحفه»، بیابانی وسیع و آبیگری برای جمع شدن آب سیلها و همچنین آب چشمه‌ای که از سمت شمال غربی به آن می‌ریزد و چند درخت کهنسال تنومند بوده، که برای برنامه سه روزه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ایراد خطبه برای آن جمعیت انبوه بسیار مناسب بوده است.

برای مردم بسیار جالب توجه بود که پیامبرشان - پس از ده سال دوری از مکه - بدون آنکه مدتی اقامت کنند تا مسلمانان به دیدارش بیایند و مسائل خود را مطرح

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۲۸۵، ج ۳۷ ص ۱۱۱، ۱۵۸. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۳۶ ح ۵۹۳. الغدیر: ج ۱ ص ۱۰، ۲۶۸.

۲. مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در غدیر - که یادگار آن واقعه تاریخی است - روزهای جالبی از سوی دوست و دشمن به خود دیده که در بخش آخر کتاب حاضر به آنها اشاره خواهد شد.

کنند، بعد از اتمام مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در «غدیر» امر نمودند.

صبح آن روز که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه حرکت کردند، سیل جمعیت که بیش از صد و بیست هزار نفر^۱ تخمین زده می شدند به همراه حضرت حرکت کردند. حتی پنج هزار نفر از مکه و غده ای حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن - که مسیرشان به سمت شمال نبود - برای درک مراسم غدیر همراه حضرت آمدند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱. بقول صد و چهل هزار، و بقول دیگر صد و هشتاد هزار نفر بوده‌اند.

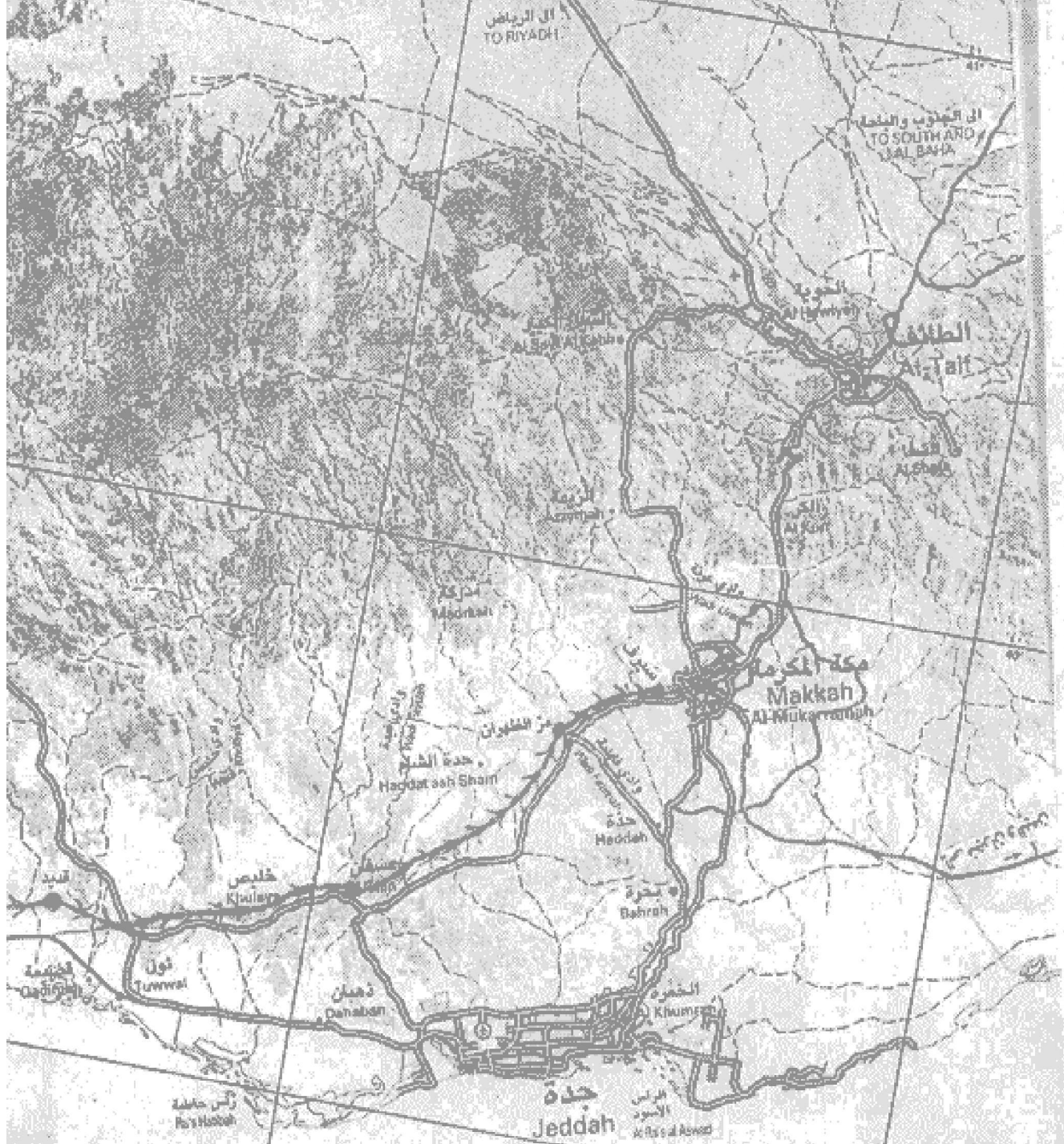


مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نقشه منطقه

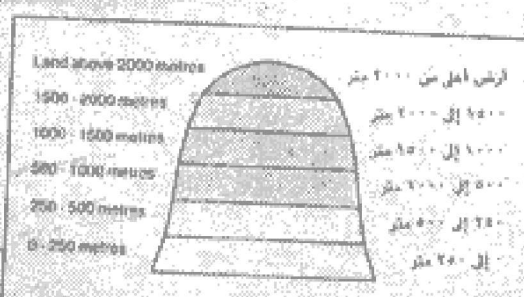
شبكة الطرق الرئيسية بين مكة المكرمة والمدينة المنورة

MAKKAH - MADINAH ROUTE MAP



الأحمر البحر
RED SEA





- | | |
|-----------------------|--------------------------|
| Dual carriageway | طريق سريع ذو اتجاهين |
| Main road | طريق رئيسي |
| Secondary road | طريق ثانوي |
| Track | دور رئيسي |
| International airport | مطار دولي |
| Domestic airport | مطار محلي |
| | مسرح حية الفولك |
| | مقياس 1:1 250 000 |
| | مقياس 1:1 250 000 |
| | 0 10 20 30 40 50 كيلومتر |



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کیفیت خطابه و جزئیات خطبه

اجتماع مردم در غدیر^۱

نزدیک ظهر روز دوشنبه،^۲ همین که به منطقه «کُراع العَمَیم»^۳ - که «غدیر خم» در آن واقع شده - رسیدند، حضرت مسیر حرکت خود را به طرف راست جاده و به سمت غدیر تغییر دادند و فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ، أَنَا رَسُولُ اللَّهِ».

«ای مردم، دعوت کننده خدا را اجابت کنید که من پیام آور خدایم».

این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیام مهمی فرار سیده است.

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۱۷۳، ۲۰۳، ۲۰۴، ج ۹۸ ص ۲۹۸، غوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۵۰، ۶۰، ۷۵، ۷۹.

۲. ۸۰، ۳۰۱، الفدیر: ج ۱ ص ۱۰، ۲۲، مدینه المعجز: ص ۱۲۸، الفصول المهمة: ص ۲۴، ۲۵.

۳. طبق روایاتی که در بخش قبلی ذکر شد خروج حضرت از مدینه روز شنبه ۲۵ ذیقعده و ورود حضرت به مکه سه شنبه پنجم ذی حجه بوده است. بنا بر این روز ۱۸ ذی حجه مطابق با روز دوشنبه می شود. طبق تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی (تحقیق: حکیم قریشی) روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجری مطابق دوشنبه ۱۵ مارس سال ۶۳۲ میلادی است.

۳. «کُراع» بمعنی پایان مسیل و انتهای مسیر آب است. «عَمَیم» نام این منطقه بوده است. «غدیره» بمعنای گودالی است که پس از عبور سیل، آب در آن باقی می ماند. «خم» نام این آبگیر بوده است. محل «غدیر خم» در وادی جحفه و به همین نام معروف است.

سپس فرمان دادند تا منادی ندا کند: «همه مردم متوقف شوند و آنان که پیش رفته‌اند بازگردند و آنان که پشت سر هستند توقف کنند»، تا آهسته آهسته همه جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند. همچنین دستور دادند: کسی زیر درختان کهنسالی که در آنجا بود نرود و آن موضع خالی بماند.

پس از این دستور همه مژکها متوقف شدند، و کسانی که پیشتر رفته بودند بازگشتند و همه مردم در منطقه غدیر پیاده شدند و هر یک برای خود جایی پیدا کردند و کم‌کم آرام گرفتند. اینک صحرا برای اولین بار شاهد تجمع عظیم بشری بود. شدت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین سوزنده، به حدی ناراحت کننده بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه‌ای از لباس خود را به سر انداخته و گوشه‌ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند، و عده‌ای از شدت گرما عبای خود را به پایشان پیچیده بودند!



آماده سازی جایگاه سخنرانی و منبر!

از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله مقدمات و سلمان و ابوذر و عمار را فراخواندند و به آنان دستور دادند تا به محل پنج درخت کهنسال - که در یک ردیف کنار برکه غدیر بودند - بروند و آنجا را آماده کنند. آنها خارهای زیر درختان را کردند و سنگهای ناهموار را جمع کردند و زیر درختان را جارو کردند و آب پاشیدند. سپس شاخه‌های پایین آمده درختان را که تا نزدیکی زمین آمده بود قطع کردند. بعد از آن در فاصله بین دو درخت روی شاخه‌ها پارچه‌ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل برای برنامه سه روزه‌ای که حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود.

سپس در زیر سایبان، سنگها را روی هم چیدند و از رواندازهای شتران و سایر مرکبها هم کمک گرفتند و منبری به بلندی قامت حضرت ساختند و روی آن پارچه‌ای

انداختند. منبر را طوری بر پا کردند که نسبت به دو طرف جمعیت در وسط قرار بگیرد و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشد تا صدای حضرت به همه برسد و همه او را ببینند، چنان که در گزارش ماجرای غدیر آمده است: احدی از حاضرین غدیر خم نبود مگر آنکه آن حضرت را به چشم خود می دید و صدای آن حضرت را به گوش خود می شنید.

البته ربیعة بن أمية بن خلف کلام حضرت را برای مردم تکرار می کرد تا افرادی که دورتر قرار داشتند مطالب را بهتر بشنوند.

پیامبر و امیرالمؤمنین علیهما السلام بر فراز منبر^۱

مقارن ظهر، انتظار مردم به پایان رسید و منادی حضرت ندای نماز جماعت داد. پس از بیرون آمدن مردم از خیمه ها و آمادگی صفاها برای نماز، پیامبر صلی الله علیه و آله از خیمه خود بیرون آمدند و نماز را به جماعت خواندند.

بعد از آن مردم ناظر بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله بر فراز آن منبر ایستادند و امیرالمؤمنین علیه السلام را فرا خواندند و به او دستور دادند بالای منبر بیایند و در سمت راستش بایستند. قبل از شروع خطبه، امیرالمؤمنین علیه السلام یک پله پائین تر بر فراز منبر در طرف راست حضرت ایستاده بودند و دست پیامبر صلی الله علیه و آله بر شانه آن حضرت بود.

سپس حضرت نگاهی به راست و چپ جمعیت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند. زنان نیز در قسمتی از مجلس نشستند که پیامبر صلی الله علیه و آله را به خوبی می دیدند. پس از آماده شدن مردم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند.

با در نظر گرفتن این شکل خاص از منبر و سخنرانی، که دو نفر بر فراز منبر در

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۲۰۹. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۴۴، ۹۷، ۳۰۱. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۲۶۷ ح ۳۸۷، ۳۹۱. احقاق الحق: ج ۲۱ ص ۵۳، ۵۷.

حالت قیام دیده می‌شوند و بیش از صد و بیست هزار نفر این منظره بدیع را می‌نگرند، به استقبال سخنان حضرت خواهیم رفت.

یادآور می‌شود که اجتماع ۱۲۰۰۰۰ نفر برای یک سخنرانی و در مقابل یک خطیب که همه شخص او را ببینند در دنیای امروز هم مسئله غیر عادی است، تا چه رسد به عصر بعثت که در گذشته شش هزار ساله انبیا تا آن روز هرگز چنین مجلس عظیمی برای سخنرانی تشکیل نشده بود.

سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله^۱

سخنرانی تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر که حدود یک ساعت طول کشید در یازده بخش قابل ترسیم است:

حضرت در اولین بخش سخن، به حمد و ثنای الهی پرداختند و صفات قدرت و رحمت حق تعالی را ذکر فرمودند، و بعد از آن به بندگی خود در مقابل ذات الهی شهادت دادند.

در بخش دوم، سخن را متوجه مطلب اصلی نمودند و تصریح کردند که باید فرمان مهمی درباره علی بن ابی طالب ابلاغ کنم، و اگر این پیام را نرسانم رسالت الهی را نرسانده‌ام و ترس از عذاب او دارم.

در سومین بخش، امامت دوازده امام بعد از خود را تا آخرین روز دنیا اعلام فرمودند تا همه طمعها یکباره قطع شود. از نکات مهم در سخنرانی حضرت، اشاره به عمومیت ولایت آنان بر همه انسانها و در طول زمانها و در همه مکانها و نفوذ کلماتشان در جمیع امور بود، و نیابت تام ائمه علیهم السلام را از خدا و رسول در حلال و حرام و جمیع اختیارات اعلام فرمودند.

در بخش چهارم خطبه، پیامبر صلی الله علیه و آله با بلند کردن و معرفی امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً، اَللّٰهُمَّ وَاٰلِ مَنْ وَاٰلِهٖ مِنْ

۱. بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۰۱-۲۰۷. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۱۴، ج ۳ ص ۵۵۸.

غَاذَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ: «هر کس من نسبت به او از خودش صاحب اختیارتر بوده ام این علی هم نسبت به او صاحب اختیارتر است. خدایا دوست بدار هر کس علی را دوست بدارد، و دشمن بدار هر کس او را دشمن بدارد، و یاری کن هر کس او را یاری کند، و خوار کن هر کس او را خوار کند».

سپس کمال دین و تمام نعمت را با ولایت ائمه علیهم السلام اعلام فرمودند و بعد از آن، خدا و ملائکه و مردم را بر ابلاغ این رسالت شاهد گرفتند.

در بخش پنجم حضرت صریحاً فرمودند: «هر کس از ولایت ائمه علیهم السلام سر باز زند اعمال نیکش سقوط می کند و در جهنم خواهد بود». بعد از آن شمه ای از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام را متذکر شدند.

مرحله ششم از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله جنبه غضب الهی را نمودار کرد. حضرت با تلاوت آیات عذاب و لعن از قرآن فرمودند: «منظور از این آیات عده ای از اصحاب من هستند که مأمور به چشم پوشی از آنان هستیم، ولی بدانند که خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصرین حجت قرار داده، و چشم پوشی از آنان در دنیا مانع از عذاب آخرت نیست».

سپس به امامان گمراهی که مردم را به جهنم می کشانند اشاره کرده فرمودند: «من از همه آنان بیزارم». اشاره رمزی هم به «اصحاب صحیفه ملعونه» داشتند و تصریح کردند که بعد از من مقام امامت را غصب می کنند و سپس غاصبین را لعنت کردند.

در بخش هفتم، حضرت تکیه سخن را بر اثرات ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام قرار دادند و فرمودند: «اصحاب صراط مستقیم در سوره حمد شیعیان اهل بیت علیهم السلام هستند».

سپس آیاتی از قرآن درباره اهل بهشت تلاوت فرمودند و آنها را به شیعیان و پیروان آل محمد علیهم السلام تفسیر فرمودند. آیاتی هم درباره اهل جهنم تلاوت کردند و آنها را به دشمنان آل محمد علیهم السلام معنی کردند.

در بخش هشتم مطالبی اساسی درباره حضرت بقیه الله الاعظم حجة بن الحسن

المهدی ارواحنا فداء فرمودند و به اوصاف و شئون خاص حضرتش اشاره کردند و آینده‌ای پر از عدل و داد به دست امام زمان عجل الله فرجه را به جهانیان مژده دادند. در بخش نهم فرمودند: پس از اتمام خطابه شما را به بیعت با خودم و سپس بیعت با علی بن ابی طالب دعوت می‌کنم. پشتوانه این بیعت آن است که من با خداوند بیعت کرده‌ام، و علی هم با من بیعت نموده است؛ پس این بیعتی که از شما می‌گیرم از طرف خداوند و بیعت با حق تعالی است.

در دهمین بخش، حضرت درباره احکام الهی سخن گفتند که مقصود بیان چند پایه مهم عقیدتی بود: از جمله اینکه چون بیان همه حلالها و حرامها توسط من امکان ندارد، با بیعتی که از شما درباره ائمه علیهم السلام می‌گیرم حلال و حرام را تا روز قیامت بیان کرده‌ام، زیرا علم و عمل آنان حجت است. دیگر اینکه بالاترین امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغ پیام غدیر درباره امامان علیهم السلام و امر به اطاعت از ایشان و نهی از مخالفتشان است.

در آخرین مرحله خطابه، بیعت لسانی انجام شد و حضرت فرمودند: «خداوند دستور داده تا قبل از بیعت با دست، از زبانهای شما اقرار بگیرم». سپس مطلبی را که می‌بایست همه مردم به آن اقرار می‌کردند تعیین کردند که خلاصه آن اطاعت از دوازده امام علیهم السلام و عهد و پیمان بر عدم تغییر و تبدیل و بر رساندن پیام غدیر به نسلهای آینده و غائبان از غدیر بود. در ضمن بیعت با دست هم حساب می‌شد زیرا حضرت فرمودند: «بگوئید با جان و زبان و دستان بیعت می‌کنیم».

کلمات نهایی پیامبر صلی الله علیه و آله دعا برای اقرارکنندگان به سخنانش و نفرین بر منکرین اوامر آن حضرت بود و با حمد خداوند خطابه حضرت پایان یافت.

دو اقدام عملی بر فراز منبر

در اثناء خطبه، پیامبر صلی الله علیه و آله دو اقدام عملی بر فراز منبر انجام دادند که تا آن روز سابقه نداشت و بسیار جالب توجه بود:

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام بر فراز دست پیامبر صلی الله علیه و آله^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، برای آنکه تا آخر روزگار راه هر گونه شک و شبهه بسته باشد و هر تلاشی در این راه خنثی شود، ابتدا مطلب را بطور لسانی اظهار کردند، و سپس به صورت عملی برای مردم بیان کردند. بدین ترتیب که ابتدا فرمودند:

«باطن قرآن و تفسیر آن را برای شما بیان نمی‌کند مگر این کسی که من دست او را می‌گیرم و او را بلند می‌کنم».

سپس آن حضرت گفته خود را عملی کردند، و به امیرالمؤمنین علیه السلام که بر فراز منبر کنار حضرت ایستاده بودند، فرمودند: «نزدیکتر بیا». آن حضرت نزدیکتر آمدند و پیامبر صلی الله علیه و آله دو بازوی او را گرفتند. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام دست خود را به سمت صورت حضرت باز کردند تا آنکه دستهای هر دو به سوی آسمان قرار گرفت. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را - که یک پله پایین تر قرار داشت - از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوهای پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و مردم سفیدی زیر بغل ایشان را دیدند، که تا آن روز دیده نشده بود. در این حال فرمودند:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ».

«هر کس من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست».

۲. بیعت با قلبها و زبانها^۲

اقدام دیگر حضرت آن بود که چون بیعت گرفتن از فرد فرد آن جمعیت انبوه، از طرفی غیر ممکن بود و از سوی دیگر امکان داشت افراد به بهانه‌های مختلف از بیعت

۱. بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۱۱۱، ۲۰۹. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۴۷. کتاب سلیم: ص ۸۸۸ ح ۵۵.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۲۱۵، ۲۱۹. در باره بیعت غدیر، مطالبی در قسمت چهارم از بخش هشتم این کتاب آمده است.

شانه خالی کنند و حضور نیابند، و در نتیجه نتوان التزام عملی و گواهی قانونی از آنان گرفت، لذا حضرت در اواخر سخنانشان فرمودند: ای مردم، چون با یک کف دست و با این وقت کم و با این سیل جمعیت، امکان بیعت برای همه وجود ندارد، پس همگی این سخنی را که من می‌گویم تکرار کنید و بگویید:

«ما فرمان تو را که از جانب خداوند درباره‌ی علی بن ابی طالب و امامان از فرزندانش به ما رساندی اطاعت می‌کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستمان با تو بر این مدعا بیعت می‌کنیم ... عهد و پیمان در این باره برای ایشان از ما، از قلبها و جانها و زبانها و ضمائر و دستانمان گرفته شد. هر کس با دستش توانست و گرنه با زبانش بدان اقرار کرده است.»

پیدا است که حضرت، عین کلامی را که می‌بایست مردم تکرار کنند به آنان القا فرمودند و عبارات آن را مشخص کردند تا هر کس به شکل خاصی برای خود اقرار نکند، بلکه همه به مطلب واحدی که حضرت از آنان می‌خواهد التزام دهند و بر سر آن بیعت نمایند.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

وقتی کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پایان یافت همه مردم سخن او را تکرار کردند و بدین وسیله بیعت عمومی گرفته شد.



مراسم بعد از خطبه

تبریک و تهنیت^۱

پس از پایان خطبه، مردم از هر سو به سمت منبر می آمدند و خود را به پیامبر و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما وآلهما می رساندند، و با ایشان به عنوان بیعت دست می دادند، و هم به پیامبر صلی الله علیه وآله و هم به امیر المؤمنین علیه السلام تبریک و تهنیت می گفتند، و پیامبر صلی الله علیه وآله هم می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ».

عبارت تاریخ چنین است: پس از اتمام خطبه، صدای مردم بلند شد که: «آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستمان اطاعت می کنیم». بعد به سوی پیامبر و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما وآلهما از دحام کردند و برای بیعت سبقت می گرفتند و با ایشان دست می دادند.

این ابراز احساسات و فریادهای شعفی که از جمعیت بر می خاست، شکوه و ابهت بی مانندی به آن اجتماع بزرگ می بخشید.

نکته قابل توجهی که در هیچیک از پیروزی های پیامبر صلی الله علیه وآله - چه در جنگها و چه سایر مناسبتها و حتی فتح مکه - سراغ نداریم، این است که حضرت در روز غدیر فرمودند:

۱. بحار الانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷. امالی شیخ مفید: ص ۵۷.

«به من تبریک بگوئید، به من تهنیت بگوئید، زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل بیت را به امامت اختصاص داده است».

و این نشانه فتح بزرگ و در هم شکستن کامل سنگرهای کفر و نفاق بود. از سوی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به منادی خود دستور دادند تا بین مردم گردش کند و این خلاصه غدیر را تکرار کند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً، اَللّٰهُمَّ وَاِلَیْ مَنْ وَاِلَاهُ وَ عَادِی مَنْ عَادَاهُ وَ اَنْصُرْ مَنْ نَصَرْتَهُ وَ اَخْذُلْ مَنْ خَذَلْتَهُ»، تا به عنوان تابلویی از غدیر در ذهنها نقش ببندد.

بیعت مردان^۱

برای آنکه رسمیت مسئله محکم تر شود، و آن جمعیت انبوه بتوانند مراسم بیعت را بطور منظم و برنامه ریزی شده ای انجام دهند، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فرود از منبر دستور دادند تا دو خیمه برپا شود. یکی را مخصوص خود قرار دادند و در آن جلوس فرمودند، و به امیرالمؤمنین علیه السلام دستور دادند تا در خیمه دیگر جلوس نماید، و امر کردند تا مردم جمع شوند. پس از آن مردم دسته دسته در خیمه پیامبر صلی الله علیه و آله حضور می یافتند و با آن حضرت بیعت نموده و تبریک و تهنیت می گفتند. سپس در خیمه مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر می شدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبرشان با آن حضرت بیعت می کردند و به عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام می کردند، و این مقام والا را تبریک می گفتند.

برنامه بیعت تا سه روز ادامه داشت، و این مدت را حضرت در غدیر اقامت داشتند. این برنامه چنان حساب شده بود که همه مردم در آن شرکت کردند.

بسیار بجاست به قطعه جالبی از تاریخ این بیعت اشاره کنیم:

اولین کسانی که در غدیر با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت نمودند و خود را از دیگران

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۲۸۷، ج ۲۸ ص ۹۰، ج ۲۷ ص ۱۶۶، ۱۲۷. القدير: ج ۱ ص ۵۸، ۲۷۱، ۲۷۴. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۴۲، ۶۰، ۶۵، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۵.

جلو انداختند همانهایی بودند که زودتر از همه آن بیعت را شکستند و پیش از همه پیمان خود را زیر پا گذاشتند. آنان عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر، که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله یکی پس از دیگری رو در روی امیرالمؤمنین علیه السلام ایستادند.

جالبتر اینکه عمر بعد از بیعت این کلمات را بر زبان می راند:

«افتخار برایت باد گوارایت باد ای پسر ای طالب، خوشا به حالت ای ابالحسن،

اکنون مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده‌ای!»

نکته دیگری که بار دیگر چهره دو رویان را روشن ساخت این بود که پس از امر پیامبر صلی الله علیه و آله همه مردم بدون چون و چرا با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند، ولی ابوبکر و عمر - با آنکه پیش از همه خود را برای بیعت به میان انداخته بودند - قبل از بیعت به صورت اعتراض پرسیدند: آیا این امر از طرف خداوند است یا از طرف رسولش (یعنی: از جانب خود می گویی)؟ حضرت فرمود: «از طرف خدا و رسولش است، آیا چنین مسئله بزرگی بدون امر خداوند می شود؟» و نیز فرمود: «آری حق است از طرف خدا و رسولش که علی امیرالمؤمنین است.»

بیعت زنان^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند تا زنان هم با آن حضرت بیعت کنند و به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام کنند و به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند، و این دستور را درباره همسران خویش مؤکد داشتند.

برای این منظور دستور دادند تا ظرف آبی آورند، و پرده‌ای بر روی آن زدند بطوری که زنان در آن سوی پرده با قرار دادن دست خود در آب، و قرار دادن امیرالمؤمنین علیه السلام دست خود را در سوی دیگر با آن حضرت بیعت کنند؛ و بدین صورت بیعت زنان هم انجام گرفت.

یادآور می‌شود که بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از حاضرین در غدیر بودند. همچنین کلیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و ام‌هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه دختر حضرت حمزه و اسماء بنت عمیس در آن مراسم حضور داشتند.

عمامة «سحاب»^۱

عرب هرگاه می‌خواستند ریاست بزرگی را بر قومی اعلام کنند یکی از مراسمشان بستن عمامه بر سر او بود. این افتخار بزرگی در عرب بود که شخص بزرگی عمامه خود را بر سر کسی ببندد که به معنای اعتماد بر او بود.^۲

پیامبر صلی الله علیه و آله در این مراسم عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام بستند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت قرار دادند و فرمودند: «عمامه تاج عرب است». خود امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره چنین می‌فرمایند:

«پیامبر در روز غدیر خم عمامه‌ای بر سرم بستند و یک طرف آن را بر دوشم آویختند و فرمودند: خداوند در روز بدر و حنین، مرا با ملائکه‌ای که چنین عمامه‌ای به سر داشتند یاری نمود.»

شعر غدیر^۳

بخش دیگری از مراسم پرشور غدیر، در خواست حسان بن ثابت بود. او به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله، اجازه می‌فرمائید شعری را که در باره علی بن ابی طالب - به مناسبت این واقعه عظیم - سروده‌ام بخوانم؟

۱. الغدیر: ج ۱ ص ۲۹۱. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۱۹۹. انبیا الهداة: ج ۲ ص ۲۱۹ ح ۱۰۲.

۲. تاج العروس: ج ۸ ص ۴۱۰.

۳. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۸، ج ۳۷ ص ۱۱۲، ۱۶۶، ۱۹۵. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۴۱، ۹۸، ۱۴۴، ۲۰۱. کفایة الطالب: ص ۶۴. متن عربی اشعار از کتاب سلیم بن قیس: ص ۸۲۸ نقل شده، که با کمی تفاوت در کتب دیگر هم نقل شده است.

حضرت فرمودند: بخوان به نام خداوند و برکت او.

حسان بر جای بلندی قرار گرفت و مردم برای شنیدن کلامش ازدحام کردند و گردن می‌کشیدند. او گفت: «ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و انضای پیامبر گوش کنید». سپس اشعاری را که در همانجا سروده بود خواند که به عنوان یک سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند. ذیلاً متن عربی شعر حسان و سپس ترجمه آن را می‌آوریم:

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ النَّبِيَّ مُحْتَدًا	لَدَى دَوْحٍ حُمٌّ حِينَ قَامَ مُنَادِيًا
وَقَدْ جَاءَهُ جِبْرِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ	بِأَنَّكَ مَغْضُومٌ فَلَا تَكُ وَإِنِّي
وَبَلَّغْتُهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ رُبُّهُمْ	وَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ وَحَادَزْتَ بَاغِيًا
عَلَيْكَ فَمَا بَلَّغْتَهُمْ عَنِ إِلَهِهِمْ	رِسَالَتَهُ إِنْ كُنْتَ تَخْشَى الْأَعَادِيَا
فَقَامَ بِهِ إِذْ ذَاكَ زَافِعٌ كَفَّهُ	بِيَمْنِي يَدِيهِ مُغْلِنُ الصَّوْتِ عَالِيًا
فَقَالَ لَهُمْ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ مِنْكُمْ	وَكَانَ لِقَوْلِي خَافِظًا لَيْسَ نَاسِيًا
فَمَوْلَاهُ مِنْ بَغْدِي عَلِيٌّ وَآسِنِي	بِهِ لَكُمْ دُونَ الْبَرِيَّةِ رَاضِيًا
فَيَا رَبِّ مَنْ وَالِيٌّ عَلِيًّا قَوْلِي	وَ كُنْ لِي لَدَى عَادِي عِيًّا مُغَادِيًا
وَ يَا رَبِّ فَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ لِنَضْرِهِمْ	إِمَامَ الْهُدَى كَالْبَدْرِ يَسْجُلُو الدِّيَاجِيَا
وَ يَا رَبِّ فَأَحْذُلْ خَادِلِيهِ وَ كُنْ لَهُمْ	إِذَا وَقَفُوا يَوْمَ الْحِسَابِ مُكَافِيًا

آیا نمی‌دانید که محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کنار درختان غدیر خم به حالت ندا ایستاد، و این در حالی بود که جبرئیل از طرف خداوند پیام آورده بود که در این امر سستی مکن که تو محفوظ خواهی بود، و آنچه از طرف خداوند بر تو نازل شده به مردم برسان، و اگر نرسانی و از ظالمان بترسی و از دشمنان حذر کنی رسالت پروردگارت را نرسانده‌ای.

در اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را بلند کرد و با صدای بلند فرمود: «هر کس از شما که من مولای او هستم و سخن مرا به یاد می‌سپارد و فراموش نمی‌کند، مولای او بعد از من علی است، و من فقط به او - نه به دیگری - به عنوان جانشین خود برای شما راضی هستم. پروردگارا هر کس علی را دوست بدارد او را دوست بدار، و هر کس با علی دشمنی کند او را دشمن بدار. پروردگارا،

یاری کنندگان او را یاری فرما به خاطر نصرتشان امام هدایت کننده‌ای را که در تاریکیها مانند ماه شب چهارده روشنی می‌بخشد پروردگارا، خوار کنندگان او را خوار کن و روز قیامت که برای حساب می‌ایستند خود جزا بده».

پس از اشعار حسان، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای حسان، مادامی که بازبانت از ما دفاع می‌کنی، از سوی روح القدس مؤید خواهی بود.

ظهور جبرئیل در غدیر^۱

مسئله دیگری که پس از خطبه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش آمد و بار دیگر حجت را بر همگان تمام کرد، این بود که مردی زیبا صورت و خوشبوی را دیدند که در کنار مردم ایستاده بود و می‌گفت:

«به خدا قسم، روزی مانند امروز هرگز ندیدم، چقدر کار پسر عمویش را مؤکد نمود، و برای او پیمانی بست که جز کافر به خداوند و رسولش آن را بر هم نمی‌زند. وای بر کسی که پیمان او را بشکند».

در اینجا عمر نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و گفت: شنیدی این مرد چه گفت؟
حضرت فرمود: آیا او را شناختی؟ گفت: نه. حضرت فرمود:

«او روح الامین جبرئیل بود. تو مواظب باش این پیمان را نشکنی، که اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود!»

معجزه غدیر، امضای الهی^۲

واقعه عجیبی که به عنوان یک معجزه، امضای الهی را بر خطوط پایانی واقعه غدیر

۱. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۲۰، ۱۶۱. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۸۵، ۱۳۶.

۲. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶، ۱۶۲، ۱۶۷. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۵۶، ۵۷، ۱۲۹، ۱۴۴. الغدیر: ج ۱ ص ۱۹۳.

لازم به تذکر است که نام «حارث فهری» در روایات به اسمهای مختلف آمده است که احتمالاً بعضی از نامها مربوط به دوازده نفر همراهان او باشد.

ثبت کرد ماجرای «حارث فهری» بود. در آخرین ساعات از روز سوم، او با دوازده نفر از اصحابش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت:

ای محمد! سه سؤال از تو دارم: آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری خود را از جانب پروردگارت آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگار آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا اینکه درباره علی بن ابی طالب گفتی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ...»، از جانب پروردگار بود یا از پیش خود گفتی؟

حضرت در جواب هر سه سؤال فرمودند:

«خداوند به من وحی کرده است و واسطه بین من و خدا جبرئیل است و من اعلان کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگارم خبری را اعلان نمی‌کنم».

حارث گفت:

خدایا، اگر آنچه محمد می‌گوید حق و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما بار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست.

سخن حارث تمام شد و به راه افتاد خداوند سنگی از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد شد و از دُبرش خارج گردید و همانجا او را هلاک کرد.

بعد از این جریان، آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ...»^۱ نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحابشان فرمودند: آیا دیدید و شنیدید؟ گفتند: آری.

با این معجزه، بر همگان مسلم شد که «غدیر» از منبع وحی سرچشمه گرفته و یک فرمان الهی است.

از سوی دیگر، تعیین تکلیف برای همه منافقان آن روز و طول تاریخ شد که همچون حارث فهری فکر می‌کنند و به گمان خود خدا و رسول را قبول دارند و بعد از آنکه می‌دانند ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام از طرف خداست صریحاً می‌گویند ما تحمل آن را نداریم!! این پاسخ دندان شکن و فوری خداوند ثابت کرد که هر کس

ولایت علی علیه السلام را نپذیرد، خدا و رسول را قبول ندارد و کافر است.

سایر فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله در مراسم سه روزه غدیر^۱

در طول سه روز که مراسم بیعت ادامه داشت، قشرهای مختلف مردم گروه گروه در پیشگاه پیامبر صلی الله علیه و آله حضور می یافتند. در این اجتماعات کوچک - با توجه به اهمیت خطبه و مسئله بیعت - سؤالاتی درباره آن مطرح می کردند و توضیح بیشتری می خواستند. حضرت نیز محتوای خطبه را به صورت خلاصه تر و با عبارات دیگری بیان می فرمودند و در بعضی موارد مطالب دیگری به عنوان توضیح به آن می افزودند، و گاهی به صورت سؤال و جواب مطرح می کردند. برخی از این مطالب احتمالاً قبل از آغاز خطبه مفصل بوده است و برای آمادگی مردم فرموده اند. نمونه هایی از این فرمایشات چنین است:

خبر از وفات خود

- ای مردم، همه پیامبران قبل از من، دورانی از عمر را سپری کرده اند و سپس خداوند آنان را فرا خوانده و آنان اجابت کرده اند. من نیز نزدیک است که فرا خوانده شوم و اجابت کنم. خداوند لطیف خبیر به من خبر داده که «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ»، و گویی مرا نیز فرا خوانده و اجابت کرده ام. ای مردم، هر پیامبری دوران توقفش در میان قوم خود نصف پیامبر قبلی است. حضرت عیسی بن مریم چهل سال در میان قوم خود بود و من پس از بیست سال آماده رفتن هستم، و نزدیک است از شما مفارقت کنم.

اقرار بر ابلاغ رسالت

- بدانید که من و شما مورد سؤال قرار خواهیم گرفت. من مسؤولم درباره آنچه به عنوان رسالت برای شما آورده ام و درباره کتاب خدا و حجت او که به یادگار در میان شما گذارده ام، و شما نیز (درباره آنها) مسؤولید. آیا من ابلاغ کرده ام؟ شما به

۱. عوالم العلوم، ج ۳/۱۵ ص ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۴، ۷۵، ۹۷، ۱۹۶-۱۹۹، ۲۳۹، ۲۶۱.

پروردگارتان چه خواهید گفت؟

صداها از هر سو بلند شد: ما شهادت می دهیم که تو بنده خدا و پیامبر او هستی. رسالت او را ابلاغ کردی و در راه او جهاد نمودی. امر او را رساندی و دلسوز بودی و آنچه بر عهدهات بود ادا نمودی. خداوند به تو از سوی ما جزا دهد به بهترین صورتی که به پیامبری از امتش جزا داده است. حضرت فرمود: خدایا شاهد باش.

بیان ولایت علی علیه السلام به تعبیرهای دیگر

- ای بندگان خدا، نسب مرا بگویند. گفتند: تو محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف هستی. فرمود: خداوند تعالی مرا که به معراج برد و وحی خود را به گوش من چنین رسانید: ای محمد، من محمود هستم و تو محمدی! نام تو را از نام خود مشتق ساخته‌ام. هر کس به تو نیکی کند به او نیکی می‌کنم و هر کس از تو قطع کند من او را قطع می‌کنم. نزد بندگانم برو و به آنان کرامت من نسبت به خود را خبر ده. من هیچ پیامبری را نفرستاده‌ام مگر آنکه برای او وزیری قرار داده‌ام. تو پیامبر من هستی و علی وزیر تو است!

- بدانید من شما را شاهد می‌گیرم که من شهادت می‌دهم خداوند صاحب اختیار من است و من صاحب اختیار هر مؤمنی هستم. آیا به این مطلب اقرار دارید و به آن شهادت می‌دهید؟ گفتند: آری، برای تو به این مطلب شهادت می‌دهیم. فرمود: «بَدَانِید مَن كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، و او این است»، و اشاره به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند.

- ای مسلمانان، حاضرانتان به غائبان برسانند: کسانی را که به من ایمان آورده و مرا تصدیق کرده‌اند، به ولایت علی سفارش و وصیت می‌کنم. بدانید که ولایت علی ولایت من، و ولایت من ولایت پروردگار من است. این پیمانی است که پروردگارم با من بسته و به من دستور داده آن را به شما ابلاغ نمایم. سپس سه مرتبه فرمود: آیا شنیدید؟ گفتند: یا رسول الله، شنیدیم.

- ای مردم، به چه شهادت می‌دهید؟ گفتند: شهادت می‌دهیم که خدایی جز الله

نیست. فرمود: بعد از آن به چه شهادت می‌دهید؟ گفتند: به اینکه محمد بنده و پیامبر خداست. فرمود: صاحب اختیار شما کیست؟ گفتند: خدا و پیامبر صاحب اختیار ما هستیم. فرمود: هر کس که خدا و پیامبر صاحب اختیار او هستند این شخص (علی علیه السلام) صاحب اختیار اوست.

- آیا من نسبت به هر مؤمنی از خودش صاحب اختیار تر نیستم؟ گفتند: آری. فرمود: این شخص (علی علیه السلام) صاحب اختیار کسی است که من صاحب اختیار اویم.

- آیا من نسبت به شما از خودتان صاحب اختیار تر نیستم؟ گفتند: بلی، یا رسول الله.

فرمود: آیا صاحب اختیار شما از خودتان بیشتر بر شما اختیار ندارد؟ گفتند: بلی یا رسول الله. حضرت نگاهی به طرف آسمان کرده سه مرتبه فرمودند: خدایا، شاهد باش! سپس فرمودند: بدانید، هر کس که من صاحب اختیار او بوده‌ام و نسبت به او اختیارم از خودش بیشتر بوده این علی صاحب اختیار اوست و اختیارش نسبت به او از خودش بیشتر است.

- سلمان پرسید: ولایت علی علیه السلام چگونه است و نمونه آن چیست؟ فرمود:

ولایت او همچون ولایت من است. هر کس که من بر او بیش از خودش اختیار داشته‌ام علی نیز بر او بیش از خودش اختیار دارد.

- دیگری پرسید: منظور از ولایت علی چیست؟ فرمود: هر کس که من پیامبر او

بوده‌ام علی امیر اوست.

سؤال از ولایت در روز قیامت

- آیا قبول دارید که خدایی جز الله نیست و من پیامبر او به سوی شمایم و بهشت و

جهنم و زنده شدن پس از مرگ حق است؟ گفتند: به این مطالب شهادت می‌دهیم.

فرمود: خدایا، بر آنچه می‌گویند شاهد باش!

- بدانید که شما از خود من شنیده‌اید و مرا دیده‌اید. هر کس عمداً بر من دروغ

بیند جای خود را در جهنم آماده کند. بدانید که من کنار حوض کوثر منتظر شما

هستم و روز قیامت در مقابل امتهای دیگر به کثرت شما افتخار می‌کنم. بیایید و نزد

امم دیگر مرا رو سیاه نکنید!!

- بدانید که من منتظر شما هستم و شما فردای قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد می شوید، و آن حوضی است که عرض آن به وسعت بصری تا صنعا است.^۱ در آن قدحهایی از نقره به تعداد ستارگان آسمان است.

بدانید که فردای قیامت وقتی کنار حوض نزد من می آید از شما سؤال خواهم کرد که درباره آنچه امروز شما را شاهد گرفتم و نسبت به ثقلین پس از من چه کردید؟ ببینید برای روزی که مرا ملاقات می کنید در غیبت من با آنان چگونه رفتار می کنید. پرسیدند: یا رسول الله، ثقلین کدامند؟ فرمود: ثقل اکبر کتاب خداوند عزوجل است، که واسطه ای متصل از خدا و از من در دست شماست. یک سوی آن به دست خدا و طرف دیگر آن در دست شماست. در آن علوم گذشته و آینده است تا روزی که قیامت پیاشود. ثقل اصغر همتای قرآن است و آن علی بن ابی طالب و عترت اوست، و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر نزد من بیایند.

از آنان سؤال کنید و از غیر آنان نپرسید که گمراه می شوید. من برای این دو از خداوند لطیف خبیر درخواستهایی کرده ام و خداوند به من عطا فرموده است. یار آن دو، یاور من و خوار کننده آن دو، خوار کننده من است. ولی آن دو ولی من و دشمن آنان دشمن من است. هیچ امتی قبل از شما هلاک نشده مگر زمانی که دینش را طبق هوا و هوس خود قرار داده و بر ضد پیامبرش همدست شده و قیام کنندگان به عدالتشان را کشته است.

بدانید که من عده ای را از آتش نجات خواهم داد ولی عده ای را از دست من می گیرند. من خواهم گفت: خدایا اصحابم؟! به من گفته می شود: تو نمی دانی اینان پس از تو چه کردند!!

پایان مراسم غدیر^۲

بدین ترتیب پس از سه روز، مراسم غدیر پایان پذیرفت و آن روزها به عنوان

۱. «بصری» شهری در شام، و «صنعا» شهری در یمن است، و در اینجا منظور بزرگی حوض کوثر است.
۲. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶، ج ۳۹ ص ۳۳۶، ج ۴۱ ص ۲۲۸. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۶۸. کشف المهم: ص ۱۰۹.
بصائر الدرجات: ص ۲۰۱.

«ایام الولاية» در ذهنها نقش بست، و گروهها و قبائل عرب، هر یک با دنیایی از معارف اسلام، پس از وداع با پیامبرشان و معرفت کامل به جانشین او، راهی شهر و دیار خود شدند. اهل مکه و یمن به سمت جنوب از راهی که آمده بودند بازگشتند و قبایل مختلف در مسیر راه به منطقه سکونت خود رفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز عازم مدینه گردیدند در حالی که کاروان بعثت را به سر منزل مقصود رسانده بودند.

خبر واقعه «غدیر» در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید، و بدون شک توسط مسافران و ساربانان و بازرگانان تا اقصی نقاط عالم آن روز یعنی ایران و روم و چین پخش شد و غیر مسلمانان هم از آن با اطلاع شدند. در بُعد دیگر، پادشاهان ممالک که با قدرت نوپای اسلام مخالف بودند و چه بسا چشم طمع به ایام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دوخته بودند، با شنیدن خبر تعیین جانشینی چون امیر المؤمنین علیه السلام نقشه های خود را نقش بر آب دیدند. بدین وسیله جامعه اسلامی بار دیگر قدرت خود را به نمایش گذاشت، و از حملات احتمالی بیگانه مصون ماند، و بدین گونه بود که خداوند حجتش را بر مردم تمام کرد؛ چنان که امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

«مَا عَلِمْتُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَرَكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ لِأَحَدٍ حُجَّةً وَلَا لِقَائِلٍ مَقَالًا»^۱ :

«...پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر برای احدی عذری، و برای کسی سخنی باقی نگذاشت».

از اینجاست که عمق کلام خداوند تبارک و تعالی را می توان دریافت که می فرماید:

«لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَىٰ وَلَايَةِ عَلِيٍّ مَا خَلَقْتُ النَّارَ»^۲ :

«اگر همه مردم بر ولایت علی متفق بودند آتش جهنم را خلق نمی کردم».

۱. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۱۵ ح ۴۷۶.

۲. بحار الأنوار: ج ۳۹ ص ۲۴۷.